



## Woman in Development and Politics

### Attitude Toward Maternal Identity and Fertility Intention: A Study among Women with at Least One Child in Urban Areas of Kashan City

Ahmad Dorahaki<sup>1</sup> | Masoumeh Akhavan Armaki<sup>2</sup>

1. Corresponding Author, Assistant Professor of Demography, Department of Demography, Faculty of Social Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. E-mail: [adorahaki@atu.ac.ir](mailto:adorahaki@atu.ac.ir)
2. Master of Demography, Department of Demography, Faculty of Social Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. E-mail: [m.akhavan.a@gmail.com](mailto:m.akhavan.a@gmail.com)

Article Info	ABSTRACT
<p><b>Article type:</b> Research Article</p> <p><b>Article history:</b> Received: 25 April 2023 Received in revised form: 20 August 2023 Accepted: 19 September 2023 Published online: 20 March 2024</p> <p><b>Keywords:</b> fertility, fertility intention, maternal identity, gender equality, Kashan.</p>	<p>Motherhood constitutes a significant facet of the female experience, as it entails the two vital responsibilities of childbirth and nurturing. The emergence of modernity has prompted a reevaluation and redefinition of the traditional expectations and roles associated with motherhood and motherhood. An examination of the relationship between changes in women's fertility and modifications in attitudes toward maternal identity may provide valuable insights into the evolution of fertility patterns in Iran. Hence, the present study was undertaken to examine the relationship between the attitude towards maternal identity and the number of intended pregnancies married women aged 18-44 residing in the urban areas of Kashan city. The results show an average of 2.2 intended children in the studied women. maternal identity of the study women is higher than the expected average. The findings from the multivariate analysis indicate that, when all other variables are held constant, the attitude toward maternal identity has a positive impact on women's intention to become parents, while the attitudes toward gender equality and education have a negative influence fertility. On the other hand, the results of the path analysis show the mediating role of attitude towards maternal identity in relation to the influence of gender egalitarianism and education variables on women's fertility intention. Hence, in light of the aforementioned component changes, it is recommended that policymakers contemplate the augmentation of support programs and facilities that mitigate the conflict between the empowerment and independence of women with maternal identity components of the new demographic policies.</p>
<p><b>Cite this article:</b> Dorahaki, A., &amp; Akhavan Armaki, M. (2024). Attitude Toward Maternal Identity and Fertility Intention: A Study among Women with at Least One Child in Urban Areas of Kashan City. <i>Women in Development and Politics</i>, 22(1), 245-691. DOI: <a href="https://doi.org/10.22059/jwdp.2023.358149.1008335">https://doi.org/10.22059/jwdp.2023.358149.1008335</a></p>	
<p> © The Author(s). Publisher: The University of Tehran Press. DOI: <a href="https://doi.org/10.22059/jwdp.2023.358149.1008335">https://doi.org/10.22059/jwdp.2023.358149.1008335</a></p>	



انتشارات دانشگاه تهران

## زن در توسعه و سیاست

### نگرش به هویت مادری و قصد فرزندآوری: مطالعه‌ای در میان زنان دارای حداقل یک فرزند مناطق شهری شهرستان کاشان

احمد دراهکی<sup>۱</sup> | معصومه اخوان ارمکی<sup>۲</sup>

۱. نویسنده مسئول، استادیار جمعیت‌شناسی، گروه جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. رایانامه: [adorahaki@atu.ac.ir](mailto:adorahaki@atu.ac.ir)  
 ۲. کارشناس ارشد جمعیت‌شناسی، گروه جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران، رایانامه: [m.akhavan.a@gmail.com](mailto:m.akhavan.a@gmail.com)

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	مادرشدن جنبه مهمی از زندگی زنان است که با دو کارکرد مهم زایش و پرورش فرزند، نمود پیدا می‌کند. با ظهور مدرنیته، مادرشدن و مادری کردن به‌عنوان نقش اصلی زنان مورد پرسش و بازتعریف قرار گرفته است. بررسی نگرش به هویت مادری در ارتباط با تمایلات فرزندآوری زنان می‌تواند در شناخت تحولات باروری در ایران کمک‌کننده باشد. در این راستا ۳۸۵ نفر از زنان ۱۸-۴۴ سال دارای حداقل یک فرزند ساکن در مناطق شهری کاشان به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای، در چند مرحله انتخاب و مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج بیانگر میانگین ۲/۲ فرزند قصدشده در زنان مورد مطالعه است. میانگین نمره نگرش به هویت مادری پاسخگویان، بالاتر از میانگین مورد انتظار است. این موضوع بیانگر آن است که هنوز هویت مادری برای بخش قابل توجهی از زنان در اولویت و اهمیت قرار دارد. نتایج تحلیل چندمتغیره بیانگر آن است که با کنترل همه متغیرها، متغیر نگرش به هویت مادری به‌صورت مثبت و نگرش به برابری طلبی جنسیتی و تحصیلات به‌صورت منفی بر قصد فرزندآوری زنان تأثیرگذار هستند. از سوی دیگر نتایج تحلیل مسیر بیانگر نقش میانجی و واسطه‌ای نگرش به هویت مادری در ارتباط با تأثیرگذاری متغیرهای برابری طلبی جنسیتی و تحصیلات بر قصد فرزندآوری زنان است. با توجه به تغییراتی که در مؤلفه‌های گفته‌شده در حال وقوع است، پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاران گسترش تسهیلات و برنامه‌های حمایتی را که به کاهش تعارض بین مؤلفه‌های توانمندی و استقلال زنان با هویت مادری منجر می‌شوند، در سیاست‌های جدید جمعیتی در نظر بگیرند.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۰۵	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۵/۲۹	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۲۸	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۱/۰۱	
<b>کلیدواژه‌ها:</b> باروری، برابری طلبی جنسیتی، قصد فرزندآوری، کاشان، هویت مادری.	

**استناد:** دراهکی، احمد، و اخوان ارمکی، معصومه (۱۴۰۳). نگرش به هویت مادری و قصد فرزندآوری: مطالعه‌ای در میان زنان دارای حداقل یک فرزند مناطق شهری

شهرستان کاشان. زن در توسعه و سیاست، ۲۲(۱)، ۲۴۵-۲۹۱. DOI: <https://doi.org/10.22059/jwdp.2023.358149.1008335>

DOI: <https://doi.org/10.22059/jwdp.2023.358149.1008335>



© نویسندگان.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

## ۱. مقدمه

امروزه بسیاری از کشورهای جهان در مقایسه با دهه‌های گذشته با کاهش چشمگیر باروری کل روبه‌رو شده‌اند؛ به طوری که میزان باروری کل جهان در سال ۲۰۱۹ به‌ازای هر زن ۲/۴ فرزند و تقریباً به نصف میزان سال ۱۹۵۰ (۴/۷) رسیده است (بانک جهانی، ۲۰۲۱). این تغییرات کاهش‌ی در سطح باروری در کنار ثبات نسبی مرگ‌ومیر، سبب کندی آهنگ رشد جمعیت شده است. در بین کشورهای جهان، ایران نیز روند چشمگیری از کاهش باروری را تجربه کرده و میزان باروری کل از حدود ۶/۵ فرزند و میزان رشد سالانه جمعیت از ۳/۹ درصد در نیمه دهه ۱۳۶۰ به ۲/۰۱ فرزند و میزان رشد سالانه جمعیت ۱/۲ درصد در سال ۱۳۹۵ رسیده است (Iran Statistics Center, 2016). میزان باروری کل محاسبه‌شده به‌وسیله مرکز آمار ایران برای سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۳۹۹ مؤید استمرار روند کاهنده میزان باروری کشور در طی این سال‌ها است و این میزان در سال ۱۳۹۹ به میزان ۱/۷ فرزند رسیده است (Fathi, 2019) و بیم کاهش بیشتر آن نیز می‌رود.

کاهش مداوم و مستمر سطح باروری به زیر حد جانشینی به منفی شدن رشد سالانه جمعیت در سال‌های آینده و ایجاد مسائل مهم و نوپدید جمعیتی از جمله تغییرات شاخص‌های ساختار سنی و درصد فزاینده سالخوردگی جمعیت، افزایش میانۀ سنی جمعیت و نیروی کار منجر خواهد شد (Moshfeqh & Hosseini, 2013). این مسائل سبب شده است در حال حاضر باروری اندک یکی از چالش‌های مهم جمعیتی کشور باشد و در این زمینه سیاست‌های مختلفی مطرح شود.

تصمیم در مورد خواست فرزند، مسئله‌ای پیچیده و متأثر از مجموعه‌ای از عوامل است. بیشتر نظریه‌پردازان تحولات باروری را ناشی از تغییرات در دو دسته کلی عوامل ساختاری و فرهنگی جوامع می‌دانند. با ظهور مدرنیته و گسترش روابط جهانی در عصر حاضر، جامعه دستخوش تغییرات اساسی در همه حوزه‌های ساختاری، فرهنگی، اجتماعی و... شده است. یکی از عرصه‌های تحول زندگی اجتماعی در این عصر، تغییرات و تحولات در زندگی زنان، مشارکت بالای آنان در بازار کار و افزایش استقلال در موضوع باروری و تولیدمثل است؛ این در حالی است که در همه جوامع سنتی بر تولد و پرورش کودک به‌عنوان هدف اصلی هر زن تأکید شده است (Castells, 2010). پیدایش انقلاب صنعتی از دهه ۱۹۶۰ به بعد با تحولات چشمگیر ساختاری، اجتماعی و فکری از جمله بازاندیشی در کیستی و هویت افراد همراه بود. در این بین هویت مادری به‌عنوان اصلی‌ترین پایگاه هویت‌بخش زنان، همانند سایر هویت‌ها ثابت نبوده و نقش و وظایف متصور برای آن دستخوش تغییراتی شده که به دور شدن از جایگاه پیشین تعریف‌شده برای آن منجر شده است (Entezari &

(Afzali, 2020). تغییرات ارزشی جوامع نسبت به موقعیت، نقش خانوادگی و اجتماعی زنان، ارزش گذاری جامعه به برابری جنسیتی و حرکت به سمت فردگرایی سکولار، موجب مخدوش شدن نگاه فرزندمحور شده است (Mitchell & Gray, 2007).

مادربودن جنبه مهمی از زندگی زنان است که با دو کارکرد مهم زایش و پرورش فرزند، نمود پیدا می کند (Abbott & Wallace, 2018). کالشوا<sup>۱</sup> (۲۰۱۵) عنوان می کند که مادری در گذشته به زیست شناسی، عملکرد فرزندآوری، شیردهی و مراقبت از کودک مرتبط بود؛ اما اکنون با توجه به وجود ارزش های فردگرایانه، استقلال و آزادی زنان، همه این وظایف را می توان به افراد دیگر و نهادهای دولتی واگذار کرد. امروزه مادرشدن و مادری کردن به عنوان نقش اصلی زنان مورد پرسش واقع شده و در معرض بازتعریف قرار دارد. به عقیده کاستلز (۲۰۱۰) گسترش وسایل ارتباطی و شکل گیری جامعه شبکه ای و روابط انسانی به شکل گیری نوع جدیدی از هویت به نام هویت برنامه دار منجر شده است که به تعریف مجدد موقعیت افراد در جامعه می انجامد. با گسترش فناوری های ارتباطی جدید و افزایش آگاهی از شیوه های نوین زندگی، زنان بیشتر از مردان در معرض فرهنگ های گوناگون و تأثیرپذیری از آنها قرار گرفته و به بازاندیشی در هویت های سنتی و تغییر آن پرداخته اند (Talebi, 2015). یافته های مطالعه اینگلههارت<sup>۲</sup> (۱۹۹۴) نشان داد، زنان جوان کمتر بر این باورند که برای تحقق خود نیاز به بچه دارند. زنان عصر حاضر نقش مادری را تنها یا اصلی ترین نقش زنان نمی دانند؛ بلکه آنان این نقش را در کنار و همراه سایر نقش ها مورد توجه قرار می دهند (Jaefari, Haqiqian, & Mohammadi, 2022). علاوه بر این با تغییر منابع دانستن، حصول آگاهی و شناخت از بدن و از گذر مفاهیم نوین بازشناسی، ارزش ها از جمله فرزندآوری در یک فرایند زمانی طولانی با تغییر نگرش زنان، دستخوش تغییر و بازاندیشی شده اند و در این صورت بندی جدید از ارزش فرزندآوری، مرحله دیگری از معنای مادری نزد کنشگر بر ساخته می شود (Farshadi & Vosooghi, 2020). نتایج پژوهش احمدنیا و همکاران (۲۰۱۹) نیز در تأیید این موضوع نشان داد دختران امروزی برای خود هویتی مستقل از خانواده قائل اند و خود را با نقش های جدیدشان در جامعه تعریف می کنند، در حالی که مادران این دختران، خود را با خانواده خویش و نقش های سنتی خود می شناسند.

1. Kuleshova  
2. Ronald Inglehart

از آنجایی که زنان عاملان تولیدمثل انسانی هستند، شناسایی زاویه نگاه و نگرش آنان نسبت به نقش یا هویت مادری با توجه به ارتباط نزدیک آن با فرزندخواهی و سازوکار تحولات این نقش بر باروری آنان نیازمند توجه ویژه است. بررسی پیشینه مطالعات نشان می‌دهد هرچند تاکنون پژوهش‌های داخلی و خارجی ارزنده‌ای در زمینه بررسی رابطه نگرش به نقش جنسیتی با کنش باروری زنان انجام گرفته است؛ اما مطالعاتی که به بررسی اخص ارتباط بین نگرش به هویت یا نقش مادری با باروری بپردازد، چندان مطرح نبوده و خلأ مطالعاتی در این زمینه مشهود است. از آنجایی که شهرستان کاشان نیز در سال‌های اخیر، با روند کاهشی میزان باروری مواجه بوده و طبق آمار مرکز بهداشت این شهرستان، باروری کل زنان این شهرستان از ۱/۷۹ در سال ۱۳۹۵ به ۱/۶۹ در سال ۱۴۰۰ رسیده است، بنابراین در این پژوهش به بررسی ارتباط بین نگرش به هویت مادری با تعداد فرزندان قصدشده زنان ۱۸-۴۴ ساله مناطق شهری شهرستان کاشان که حداقل یک فرزند داشتند، پرداخته شد. انتخاب این دامنه سنی به دلیل آن صورت گرفته است که احتمال فرزندآوری در سنین کمتر از ۱۸ سال و همچنین بالای ۴۴ سال کاهشی است و از آنجا که هدف این مقاله بررسی قصد فرزندآوری بوده است گروه‌های سنی‌ای انتخاب شد که بعد از سن انتخاب شده نیز احتمال فرزندآوری در بین آن‌ها وجود داشته باشد. نتایج این پژوهش می‌تواند به شناخت بهتر از نگرش نسل حاضر به نقش مادری و اثرگذاری آن بر تحولات باروری و شناخت تغییرات احتمالی آتی آن کمک کند.

## ۲. پیشینه پژوهش

### ۲-۱. پیشینه تجربی

با توجه به پیچیدگی و چندعلیتی بودن تحولات باروری، پژوهش‌های بسیار زیادی در طی دهه‌های اخیر به بررسی و شناسایی عوامل تبیین‌کننده باروری پرداخته‌اند. در همین راستا تحقیقات قابل توجهی در زمینه بررسی ارتباط بین نگرش به نقش جنسیتی در زنان با وضعیت باروری آنان انجام شده است. مطابق یافته‌های این تحقیقات (Yoon, Sobot, 2019; Shang & Yin, 2020; Bibi Razeghi Nasrabad, Hosseini Chavoshi, & Golmakani et al., 2015; 2016; Foroutan, Khalaj Abadi, 2017; Dorahaki & Nobakht, 2020; Abbasi Shavazi, 2021; Shams Ghahfarokhi, 2015; & Karami, 2016) نگرش به برابری جنسیتی، نحوه تقسیم کار خانگی و همکاری مردان در انجام دادن کارهای خانه و میزان مسئولیت زنان در قبال آموزش

فرزندان بر ترجیحات و نیات باروری زنان و احتمال تولد فرزند دوم اثرگذارند. لاپگارد و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۲۱) با هدف بررسی ارتباط بین نگرش به نقش جنسیتی با قصد باروری، به سنجش این موضوع در سه بعد نقش‌های جنسیتی در جامعه (نقش‌های عمومی)، نقش مادران در خانواده و نقش پدران در خانواده در بین هشت کشور اروپایی پرداختند. مطابق یافته‌ها، نیات باروری با نگرش جنسیتی به حوزه زندگی خصوصی و چگونگی ایفای نقش پدران در خانواده بستگی بیشتری دارد؛ به گونه‌ای که میزان مشارکت پدران در اجرای نقش‌های خانوادگی به‌ویژه در میان زنان با نگرش برابری طلبانه‌تر نسبت به دو بعد دیگر نقش‌های جنسیتی عمومی و نقش خانوادگی مادران اثرگذاری بیشتری بر نیات باروری داشت. نیات باروری برای زنانی که کار و مادری را با هم ترکیب می‌کنند و خودشان سهم عمده‌ای از کار را انجام می‌دهند، با باروری کمتر مرتبط بود.

آرپینو و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۱۵) به بررسی تغییرات در نگرش نقش جنسیتی بر باروری در ۲۷ کشور اروپایی پرداختند. یافته‌های پژوهش ایشان حاکی از یک رابطه U شکل بین تغییرات در نگرش‌های نقش جنسیتی و باروری است. این رابطه منحنی خطی با تفاوت در نگرش بین مردان و زنان تعدیل می‌شود. به عبارتی هر اثر مثبت بر باروری، نه تنها نیاز به سطوح بالایی از نگرش‌های برابر جنسیتی دارد؛ بلکه به همگرایی نگرش بین مردان و زنان نیز نیاز دارد. می‌توان گفت علی‌رغم انجام‌دادن این قبیل تحقیقات و نتایج ارزنده آنان، یافته‌ها بیشتر کلی بوده و بر گسترش برابری جنسیتی به‌ویژه در نهاد خانواده تأکید دارند؛ اما از زاویه خاص نگاه به نقش مادری و تأثیر احتمالی تغییرات آن بر باروری مورد سنجش قرار نگرفته‌اند.

مادری به‌عنوان یکی از نقش‌های کلیدی زنان، می‌تواند واکنش‌های متفاوتی در زنان برانگیزد و نوع نگرش به آن در تمایل زنان برای تجربه مادری بیشتر، نقش مهمی ایفا می‌کند. کتزویز و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۱۰) به بررسی تغییرات در نگرش و رفتارهای نقش جنسیتی مادران و پدران در اولین بار انتقال به والدشدن و پس از تجربه تولد فرزند دوم پرداختند. این پژوهش با بررسی ۲۰۵ مورد مادر و پدر با تجربه اول والدشدن و ۱۹۸ مادر و پدر با تجربه قبلی فرزند و در ۴ نقطه زمانی از ۵ ماهه بارداری تا ۱۲ ماه پس از زایمان انجام شد. یافته‌ها نشان داد والدین در نگرش و رفتارهای نقش جنسیتی خود پس از تولد فرزند سنتی‌تر می‌شدند و در این بین زنان بیشتر از مردان و همچنین والدینی که برای اولین بار فرزند به دنیا می‌آوردند، بیشتر از والدین با تجربه قبلی تغییر می‌کردند. بر

1. Lappegard et al.

2. Arpino et al.

3. Katz-Wise et al.

اساس یافته‌ها، تغییرات در نگرش‌ها و رفتارهای نقش جنسیتی پس از تولد اولین کودک، ممکن است بر فرایند تمایل به والدین شدن مجدد بعد از تولد اولین فرزند و مذاکره درباره‌ی خواستن یک نوزاد جدید در خانواده تأثیر بگذارد. در همین راستا تعدادی از مطالعات اخیر داخلی نیز به بررسی تغییرات در محتوا و معنای مادری پرداختند. فرشادی و وثوقی (۲۰۲۰) با بررسی تجربه‌ی زیسته‌ی سه نسل از زنان، به دنبال تحلیل محتوایی معنای مادری در گذار تغییر شکل خانواده‌ها از گسترده به هسته‌ای بودند. یافته‌های پژوهش آنان نشان داد معنایابی مادری، در فرایندی پیوسته با رخدادهای اجتماعی از طریق صورت‌بندی مفاهیم جدید موجب تغییر نگرش و ارزش می‌شود و ارزش‌های جدیدی از فرزندآوری به واسطه‌ی تغییر در نگرش مادران در حال صورت‌بندی است. انتظاری و افضلی (۲۰۲۰) در پژوهش خود به تبیین و معنایابی مادری در بین ۵۱ نفر از زنان ۱۵ تا ۶۰ ساله شهر تهران به روش تحلیل مضمون پرداختند. یافته‌های این پژوهش بیانگر تأثیر تحولات اجتماعی بر معنای مادری در جامعه ایرانی بود. کانون اصلی مضامین حاصله بیانگر سه گونه‌ی اصلی معانی متفاوت مسئولیت‌پذیری «انتخابگر مادری با مسئولیت پایدار داوطلبانه؛ دودل درباره‌ی مادری با مسئولیت پایدار اجباری و گریزان از مادری با مسئولیت پایدار قابل اجتناب» بود. جمع‌بندی مضامین نشان داد علی‌رغم گرایش درونی و ارزش‌گذاری زنان برای مادری، افزایش انتخاب در زنان و کاهش فشار برای قرارگرفتن در پایگاه مادری عامل تحول در مفهوم مادری شده است. پژوهش صادقی و شهابی (۲۰۱۹) نیز بیانگر بازتعریف معنا و مفهوم مادری در جامعه ایران باتوجه به موقعیت‌های جدید اجتماعی زنان بود و در این بین زنان شاغل مورد مطالعه به دلیل عدم وجود برنامه‌های حمایتی دوستدار خانواده و ایجاد تضاد نقش‌های شغلی و مادری بیشتر درگیر این موضوع بودند.

جعفری و همکاران (۲۰۲۲) به بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر هویت مادری در سه بعد اهمیت، اولویت و مزیت مادری در بین ۶۶۷ نفر از زنان متأهل ۱۹-۶۵ سال شهر اصفهان پرداختند. نتایج پژوهش حاکی از پذیرش متوسط به بالای هر سه هویت با ترتیب اولویت مادری، مزیت مادری و اهمیت مادری در زنان مورد مطالعه بود. همچنین نتایج مدل ساختاری نشان داد که سبک زندگی و حمایت اجتماعی توانستند ۳۴ درصد از تغییرات هویت مادری را پیش‌بینی کنند. حمایت اجتماعی با تمام ابعاد هویت مادری، سن و سبک زندگی با اولویت و اهمیت مادری و تحصیلات صرفاً با اهمیت مادری ارتباط داشتند. مطابق یافته‌های پژوهش انتظاری و افضلی (۲۰۲۰) عواملی همچون انگیزه مادری، پیامدهای مادری، رضایت‌مندی از زندگی، رابطه با مادر، اهداف و

اولویت‌ها در ایجاد معنای مادری اثرگذار بودند. یافته‌های مطالعه کالشا (۲۰۱۵) در بین زنان روسیه نشان از تأثیرات جهانی شدن بر هویت مادران و تأثیرپذیری آنان از سناریوهای جدید مادری بود. در بررسی پیشینه، مطالعاتی که به بررسی ارتباط بین هویت مادری با باروری پرداخته باشند، بسیار محدود بودند، در این راستا می‌توان به تحقیق مک کویلان و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۱۵) اشاره کرد که به بررسی ارتباط اهمیت مادری با نیت باروری زنان سنین ۲۵ تا ۴۵ سال ایالات متحده پرداختند. مطابق با یافته‌های پژوهش، نگرش‌های جنسیتی بالاتر با نیت باروری کمتر و افزایش سطوح اهمیت مادری با نیت باروری بالاتر همراه بودند. علاوه بر این بسیاری از متغیرهای مطالعه از طریق اهمیت مادری با نیت باروری مرتبط بودند و هویت مادری، واسطه ارتباط نیت باروری با همبستگی‌های جمعیتی و اجتماعی نیت باروری مانند نگرش‌های جنسیتی، ارزش دادن به اوقات فراغت، ارزش دادن به شغل، دینداری و پیام‌های باروری خانواده بود.

در یک جمع‌بندی در رابطه با پیشینه پژوهشی می‌توان گفت مطالعاتی که در ایران در زمینه هویت مادری انجام شده‌اند به تغییر و بازاندیشی در این مفهوم در میان زنان ایرانی تأکید دارند. از آنجا که یکی از مهم‌ترین نقش‌ها و کارکردهایی که برای زنان در نظام خانواده ترسیم می‌شود، فرزندآوری است؛ تصمیم به فرزندآوری می‌تواند تحت تأثیر این بازاندیشی در هویت مادری قرار گیرد. با این وجود تاکنون مطالعه‌ای که به صورت مستقل به بررسی رابطه بین هویت مادری و فرزندآوری در ایران پرداخته، یافت نشد. بنابراین از آنجا که یکی از مسائل مهم موجود در کشور در سال‌های اخیر کاهش شدید باروری به زیر سطح جانشینی است و بیم از آن می‌رود که این میزان به سطوح خیلی پایین باروری نیز حرکت کند؛ شناخت دقیق دلایل این تغییرات لازم و ضروری است. از سوی دیگر بیشتر تحقیقات انجام شده در زمینه تحولات باروری در ایران، بیشتر بر تغییر و نقش عوامل ساختاری در کاهش باروری زنان ایرانی تأکید دارند؛ با این وجود نقش عوامل ارزشی در این تغییرات بر هیچ جمعیت‌شناسی پوشیده نیست و لازم است جمعیت‌شناسان به شناخت بیشتر و دقیق‌تر از نقش عوامل ارزشی در تغییرات باروری در ایران توجه کنند.

## ۲-۲. پیشینه نظری

تحولات باروری در چارچوب دو رویکرد کلی ساختاری و ایده‌ای تبیین شده‌اند. رویکردهای ساختاری که به نظریه‌های انتخاب عقلانی نیز تعبیر می‌شوند، روندهای جمعیتی و کاهش باروری را مرتبط با

1. McQuillan et al.



شاخص‌های توسعه می‌دانند و بر تحولات اقتصادی - اجتماعی ماحصل مدرنیزاسیون تأکید دارند. رویکردهای ایده‌ای - فرهنگی بر نقش تغییرات نگرشی و ارزشی تأکید بیشتری دارند. این نظریات طیف نسبتاً وسیعی از تغییرات از قبیل گسترش فردگرایی و خودتحقق بخشی، تضعیف ارزش‌های خانوادگی و خانواده‌محوری، تضعیف دینداری و رشد سکولاریسم و... را دربرمی‌گیرند (Thornton et al., 2012).

به باور گیدنز<sup>۱</sup> (۲۰۱۳) در عصر مدرنیته افراد در هر لحظه یا حداقل در فواصل زمانی منظم برحسب اتفاقات پیش‌آمده، به‌نوعی بازپرسی از خود اقدام می‌کنند که «چگونه می‌توانند از لحظه کنونی برای دگرگونی خود استفاده کنند». در این شرایط بسیاری از هنجارها، ارزش‌ها و باورهای افراد، افکار و گفتمان‌های مسلط جامعه به چالش کشیده شده و بسیاری از ارزش‌های سابق، با مقوله‌های جدیدی جایگزین می‌شود. در این بین زنان با کسب آگاهی از حقوق خود و شیوه‌های نوین زندگی، هویت‌های سنتی و ثابت قبلی خود را مورد سؤال قرار داده و به دنبال کسب هویت‌های جدید در قالبی فراتر از زندگی خانوادگی و خصوصی هستند. در چنین شرایطی است که تعریف مادری به‌عنوان یکی از نقش‌های اصلی زنان، تضعیف و دستخوش تحول می‌شود.

از نظر آدامز مادری با فرزنددارشدن معنا می‌یابد و معمولاً به‌معنای توجه و مراقبت از کودکان، احساس مسئولیت در قبال ارضای نیازهای مادی و عاطفی آن‌ها است (Adams, 1990: 3). نارتوا<sup>۲</sup> (۲۰۱۳) عنوان می‌کند «مادری در فرهنگ مدرن به امر پیچیده چندسطحی تبدیل شده است». این موضوع هم یک تمرین روتین و هم تجربه‌ای منحصربه‌فرد برای هر فرد است و همچنین دارای نهاد هنجاری سختگیرانه‌ای است که راهبردها و چگونگی ارائه آن را تنظیم می‌کند (Kuleshova, 2015).

به لحاظ ارزشی رویکردهای سنتی، مادری را امری غریزی و ناشی از فیزیولوژیک زنانه می‌دانند. در این رویکرد از ایدئولوژی مادری به‌عنوان «هدف نهایی و رسالت زنان در زندگی» صحبت شده که در طی چندین قرن پایدار مانده است. بر اساس این ایدئولوژی «همه زنان باید مادر باشند، همه مادران به فرزندان خود نیاز دارند و همه کودکان به مادران خود نیاز دارند». مادرشدن مناسب که به‌وسیله این ایدئولوژی بیان می‌شود، ایجاب می‌کند که مادران در خانه بمانند و بیشتر وقت خود را صرف مراقبت از کودکان و ایجاد فضایی راحت و باثبات در خانه کنند (Swift, 2015). عمده

1. Giddens

2. Nartova

صاحب‌نظران کلاسیک توجه به این رویکرد دارند. آنان نقش زنان را محدود به بچه‌داری و خانه‌داری دانسته و آن را صرفاً امری غریزی که ریشه در طبیعت و تفاوت‌های بیولوژی زنان با مردان است، تلقی می‌کنند.

رویکردهای معاصر به لحاظ ارزشی احساسات مادری را تنها محدود به فیزیولوژی زن ندانسته‌اند؛ بلکه آن را نوعی برساخت اجتماعی و متأثر از موقعیت محدودشده زنان تلقی می‌کنند. بخش زیادی از رویکردهای نظری معاصر در خصوص مادری را باید در نظریات جنبش فمینیسم دنبال کرد. این جنبش با شعار برابری کامل زن و مرد، مادری را به‌عنوان موقعیتی مخاطره‌آمیز برای کسب این برابری مورد خطاب قرار داده و آن را عامل ایجاد تهدیدات جسمانی، فردی و اجتماعی برای زنان معرفی کرد (Mardani & Enayat, 2012). این جنبش به دنبال تمایز بین قابلیت طبیعی بچه‌دارشدن و نقش طبیعی اجتماعی مادر است. چالش دیگر فمینیسم با مسئله مادری لزوم از خودگذشتگی و توجه فداکارانه به فرزندان است درحالی که فمینیسم در راستای تحقق برابری زنان و مردان در عرصه‌های مختلف نیاز به گسترش فردگرایی دارد. به‌زعم آنان در جوامع سنتی مردسالار، مادران بسیار درگیر نقش‌های خانوادگی و تحقق مطالبات در خانواده شده و خود را نادیده گرفته‌اند (Diquinzio, 1999 Cite of Yazdi 2009).

در بین فمینیست‌ها، نگاه‌ها و نظریات متفاوتی وجود دارند. فمینیست‌های رادیکال نگاهی دوگانه به مادری دارند. از نظر آنان مادری هم منبعی از ارزش‌ها و ویژگی‌های خاص برای زنان، هم شکلی از سرکوب آنان، تداوم مردسالاری و عاملی برای اعمال قدرت و کنترل مردان بر زنان است (ElahiDoost, Rabbani, & Shams, 2013). لیبرال فمینیست‌ها، به دنبال تأکید بر شخصیت انسانی، برابری و رفع تبعیض بوده و ایدئولوژی مساوات‌طلبانه‌ای دارند. آن‌ها به ساختار مردسالارانه و قواعد آن انتقادی نداشته؛ ولی نظام قطب‌بندی دو جنس را نمی‌پذیرند. هدف آن‌ها اتصال زنان به همه نهادها به‌منظور متحول کردن نقش‌های جنسیتی ایشان است (Beasley, 2015). فمینیست‌های تندرو به‌منظور یکسان‌سازی نقش‌های زن و مرد و با حمله به اصل جنسیت، تفاوت‌های رفتاری حاصل نقش‌های جنسیتی را به فرایند جامعه‌پذیری مرتبط دانسته نه فیزیولوژی متفاوت زنان و مردان (Gardner, 2007). عده‌ای از فمینیست‌های تندرو همچون فیرستون<sup>۱</sup> تا آنجا پیش رفته‌اند که بیولوژی تولیدمثل در زنان را موجب سرکوب و عقب‌ماندن آنان می‌دانند. در نظر آنان، مردان تقسیم کار مبتنی بر جنسیت را خلق کردند تا زنان به خانه‌داری و بچه‌داری محدود شوند. این گروه

بر اساس اصل فردگرایی و با هدف استقلال زنان، خانواده و نقش‌های خانوادگی زنان را به‌عنوان نهادی تحقیرکننده به شمار می‌آورند و از این‌رو مادری را به حاشیه می‌رانند. آنان زنان را در موقعیتی قرار می‌دهند که دیگر تمایلی به تجربه نقش مادری نداشته و خود را درگیر مسائل دیگری همچون ارضای خواسته‌های مادی و فردی، کسب جایگاه اجتماعی، درآمد بالا و... کنند ( Firestone, 1970). (Cite of Sadeghi, 2004).

چودروف<sup>۱</sup> هویت مادری را ماحصل بازتولید مادری در خانواده می‌داند. به اعتقاد وی زنان در مقام مادران، دخترانی بار می‌آورند که دارای توانایی‌های مادری و میل به مادرشدن هستند و بر ساخت تقسیم کار خانوادگی و جنسیتی را عامل می‌شود که در آن زنان بیش از مردان درگیر روابط بین‌شخصی و عاطفی به‌ویژه در خصوص پرورش فرزندان هستند (Castells, 2010). فریدان، مادری را به‌عنوان مانعی برای حضور زن در عرصه‌های اجتماعی و شغلی می‌داند. او حضور مادر در کنار فرزندان را هم‌زیستی نامیده و آن را مخرب می‌داند. از نظر وی در این شرایط زنان فاقد هویت شخصی بوده و درک ضعیفی از خود دارند (Feridan, 2015). ریچ<sup>۲</sup>، به تمایز میان مادری کردن و نهاد مادری می‌پردازد به‌گونه‌ای که یکی بر دیگری تحمیل شده است. ریچ با تفکیک نهاد مادری، از تجربه مادری تصویر متفاوتی از نقش مادری در جامعه مطرح می‌کند. مادری رابطه بالقوه هر زنی با قدرت تولیدمثل و بچه‌ها است که متأثر از فرهنگ و زبان نیست؛ اما مادری کردن به‌منزله نهاد مادری تحت کنترل مرد و به‌عنوان محصول مردسالاری عنوان می‌شود (Rich, 1986). در الگوی مطلوب نهاد مادری، مادر طبیعی شخصی فاقد هویت دیگر است و رضایت اصلی‌اش در صرف وقت برای فرزندان و رفع نیازهای آنان است. اما مادری در عصر جدید، جنبه انتخابی پیدا می‌کند به‌گونه‌ای که از قالب پایگاهی که تحت فشار نهاد مادری به زنان محول می‌شد و بدون توجه به خواسته‌های زنان آنان را مجبور به پذیرش آن می‌کرد، خارج شده است (Entezari & Afzali, 2020).

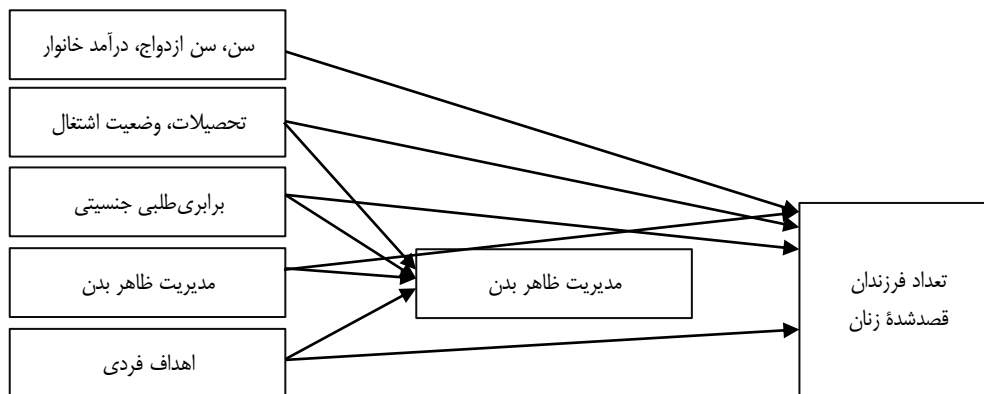
## ۲-۳. مدل پژوهش

با توجه به مبانی نظری ارائه شده مبنی بر گسترش گرایش به برابری طلبی و توسعه فردی در زنان، این پژوهش در نظر دارد ضمن بررسی تأثیر متغیرهای مستقل برابری طلبی جنسیتی، اهداف فردی و توجه به مدیریت بدن بر نگرش به هویت مادری، به بررسی ارتباط هم‌زمان این متغیرها و نگرش به هویت مادری بر تعداد فرزندان قصدشده زنان مورد مطالعه بپردازد. بر اساس مدل نظری تحقیق

1. Chodorow

2. Rich

می‌توان این فرضیه را مطرح کرد که: متغیرهای تحصیلات و اشتغال، برابری طلبی جنسیتی، مدیریت ظاهر بدن و اهداف فردی بر نگاه به هویت مادری تأثیر گذاشته و از طریق تغییر نگاه به هویت مادری بر تعداد فرزندان قصدشده زنان تأثیرگذار باشند. در این پژوهش متغیرهای سن، سن ازدواج، درآمد خانوار، تحصیلات، وضعیت اشتغال، برابری طلبی جنسیتی، مدیریت ظاهر بدن، اهداف فردی، اشتغال زن و اشتغال همسر به‌عنوان متغیرهای کنترلی در نظر گرفته شده‌اند.



شکل ۱. مدل نظری تحقیق و ارتباط بین متغیرهای پژوهشی

### ۳. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش به لحاظ روش، پیمایشی و دارای ماهیت توصیفی-همبستگی است. جامعه آماری پژوهش را کلیه زنان متأهل ۱۸-۴۴ ساله ساکن در مناطق شهری کاشان، تشکیل دادند که بر طبق اطلاعات سامانه یکپارچه وزارت بهداشت در ابتدای سال ۱۴۰۱ معادل ۵۰۲۸۸ نفر بودند. حجم نمونه با فرمول کوکران، ۳۸۵ نفر تعیین شد. داشتن حداقل یک فرزند به جهت داشتن تجربه مادری و در راستای اهداف مطالعه، به‌عنوان معیار ورود زنان جامعه آماری به پژوهش در نظر گرفته شد. نمونه‌گیری به روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای و از بین ۳۳ پایگاه سلامت مناطق شهری شهرستان کاشان انجام شد. خوشه‌بندی‌ها بر مبنای مقدار میزان باروری کلی سال ۱۴۰۰ هر پایگاه و در ۳ خوشه (پایگاه‌های سلامت با میزان باروری کل زیر ۱/۵ - شامل ۶ پایگاه، پایگاه‌های سلامت با میزان باروری کل ۱/۵ تا ۱/۷۹ - شامل ۱۶ پایگاه و پایگاه‌های سلامت با میزان باروری کل ۱/۸ و بیشتر - شامل ۱۱ پایگاه) انجام شد. تعداد نمونه اختصاص داده‌شده به هریک از خوشه‌ها، متناسب با نسبت حجم جامعه آماری هر خوشه از کل جمعیت جامعه آماری محاسبه شد. براین اساس حجم

نمونه خوشه اول ۵۳ نفر، خوشه دوم ۱۷۳ نفر و خوشه سوم ۱۵۹ نفر محاسبه شد. سپس از هر خوشه تعدادی از پایگاه‌های سلامت به تصادف انتخاب شدند. در نهایت نمونه‌های آماری از پایگاه‌های منتخب (۱۴ پایگاه) و به روش تصادفی ساده انتخاب شدند. با توجه به دسترسی به شماره تماس پاسخگویان در پایگاه‌های سلامت، هماهنگی جهت تکمیل پرسشنامه‌ها، صورت گرفت. تعداد فرزندان قصدشده بیانگر تعداد فرزندان است که زنان قصد دارند در طول دوره فرزندآوری خود به دنیا آورند و برای آن برنامه‌ریزی می‌کنند. اگرچه قصدها مانند سایر برآوردهای دوره‌ای دارای نقیصی هستند، اما اعتبار قصدها در مقایسه با سایر شاخص‌ها قابل توجه بوده و از دقت بالاتری برخوردارند. بنابراین قصدها تا حد زیادی به رفتار منجر می‌شوند. این متغیر با سؤال «در طول زندگی قصد داشتن چند فرزند را دارید» اندازه‌گیری و عملیاتی شده است.

اطلاعات با پرسشنامه محقق ساخته جمع‌آوری شدند. برای سنجش نگرش به هویت مادری از ۱۱ گویه که نشان‌دهنده اهمیت مادری (ارزش و توجه زن برای جایگاه و نقش مادری) و اولویت مادری (اولویت نقش مادری در مقایسه با سایر نقش‌های اجتماعی زن) است، استفاده شد. اعتبار اولیه گویه‌های پژوهش، به طریق صوری و با دریافت نظرات تعدادی از متخصصان و صاحب‌نظران حوزه‌های علوم اجتماعی و سلامت تأمین شد. اعتبار نهایی با تحلیل عامل تأییدی مورد تأیید قرار گرفت. سپس، با تکمیل پرسشنامه در قالب پیش‌آزمون به وسیله ۳۰ نفر از جامعه آماری، پایایی متغیرهای مفهومی مدل با آلفای کرونباخ اندازه‌گیری شد. نتایج حاکی از ضریب آلفای کرونباخ بالای ۰/۷ در تمامی گویه‌های متغیرهای مستقل بود. گویه‌های تأییدشده و میزان بار عاملی هر کدام در جدول ۱ آمده است. مقدار متغیر نگرش به هویت مادری بین کمینه ۱۱ تا بیشینه ۵۵ در نوسان بوده و دامنه تغییرات آن ۴۴ است. همین مقدار کمینه متغیر برابری طلبی جنسیتی ۵ و بیشینه آن ۲۵ با دامنه تغییرات ۲۰ و متغیر مدیریت بدن کمینه ۶ و بیشینه ۳۰ با دامنه تغییرات ۲۴ است.

جدول ۱. نتایج تحلیل عاملی تأییدی مرتبط با متغیرهای مستقل پژوهش

متغیر	سؤالات	بار عاملی	متغیر	سؤالات	بار عاملی	
سازگاری اجتماعی	مادر شدن عامل کسب هویت و جایگاه با ارزش‌تری نسبت به زمان بی‌فرزندگی است.	۰/۳۳	توانایی‌های اجتماعی	زنان باید مانند مردان از دیدۀ برابر برخوردار باشند.	۰/۸۴	
	فرزندآوری و مادر شدن برای زنان باید در اولویت بالاتری نسبت به تحصیلات دانشگاهی باشد.	۰/۶۱		زنان باید مانند مردان، از سهم ارث برابر برخوردار باشند.	۰/۸۳	
	تحصیل در رشته‌هایی مانند معلمی، پرستاری، طراحی و دوخت و... که به خانه‌داری و تربیت کودک کمک کند برای زنان مناسب‌تر است.	۰/۶۴		فرصت‌های شغلی - اجتماعی جامعه (استخدام، بازار کار آزاد و...) باید برای زنان و مردان برابر باشد.	۰/۵۵	
	مادران غیرشاغل که تمام وقت در خانه هستند، فرزندان بهتری تربیت می‌کنند.	۰/۵۵		زنان باید به اندازه مردان از آزادی‌های فردی، اجتماعی (ظاهر و پوشش، آزادی در معاشرت و...) برخوردار باشند.	۰/۷۲	
	بهتر است یک مادر تا زمانی که فرزندانش کوچک هستند در خانه بماند و کار نکند.	۰/۶۰		قوانین فعلی ازدواج و طلاق در زمینه برابری حقوق زنان و مردان نیاز به بازنگری دارد.	۰/۵۷	
	سازگاری خانگی	کار و وظیفه اصلی مردان کسب درآمد و زنان، خانه‌داری و مادری است.	۰/۶۵	توانایی‌های خانگی	تا چه اندازه به تاتو یا خالکوبی بدنتان تمایل دارید؟	۰/۶۵
		زن اینثال زنی است که وظایف خانگی و مادری‌اش در اولویت برنامه زندگی‌اش است.	۰/۶۳		تا چه اندازه به استفاده از لنزهای غیرطبیعی، نگین یا حلقه در آرایش ظاهر خود تمایل دارید؟	۰/۶۳
		تصور زندگی بدون فرزند برای من غیرممکن است.	۰/۵۳		تا چه اندازه به کاشت مژه، ناخن، ایرو و... تمایل دارید؟	۰/۷۴
		انجام دادن وظایف مادری از اولویت‌های برنامه زندگی من است.	۰/۷۰		تا چه اندازه به تزریق و جراحی‌های زیبایی صورت تمایل دارید؟	۰/۷۰
		مادری یا مادر شدن از لذت‌بخش‌ترین امور زندگی من است.	۰/۸۷		تا چه اندازه به استفاده از داروهای لاغری، جراحی و... برای تناسب اندامتان تمایل دارید؟	۰/۵۹
من به مادر بودن یا شدن خود افتخار می‌کنم و آن را دوست دارم.		۰/۸۱	تا چه اندازه حفظ تناسب و زیبایی اندام برای شما از داشتن فرزند بیشتر، مهم‌تر است؟		۰/۴۲	
تحصیلات دانشگاهی و ادامه آن برای من اهمیت بالایی دارد.		۰/۴۹				
کسب جایگاه اجتماعی و کسب آن به اندازه هویت مادری و همسری برای من مهم است.		۰/۷۶				
داشتن شغل به منظور کسب هویت و جایگاه اجتماعی، برای من مهم است.	۰/۸۰					

#### ۴. یافته‌های پژوهشی

جدول ۲ نتایج تحلیل یک متغیره متغیرهای تحقیق را نشان می‌دهد. میانگین سنی و سن هنگام ازدواج زنان مطالعه به ترتیب ۲۲ و ۳۴/۵ سال است. میانگین تعداد فرزندان قصدشده زنان ۲/۲ است. حدود ۱۸ درصد قصد داشتن یک فرزند یا کمتر، حدود ۵۱ درصد دو فرزند و حدود ۳۱ درصد سه فرزند و بیشتر دارند. میانگین تعداد فرزندان فعلی زنان مورد مطالعه برابر ۱/۶ و حدود ۵۰ درصد تک‌فرزند و ۱۲ درصد سه فرزند و بیشتر است. اکثریت زنان مورد مطالعه با ۶۵ درصد غیرشاغل و خانه‌دار هستند؛ ولی حدود ۶۴ درصد آنان تحصیلات دانشگاهی دارند. ۶۷ درصد نظر بر متوسط بودن

درآمد خانوار خود دارند. میانگین نمرات در متغیرهای نگرش به هویت مادری (۴۰/۱)، برابری طلبی جنسیتی (۱۸/۲) و اهداف فردی (۱۰/۴) است که بیشتر از میانگین مورد انتظار است. در متغیر مدیریت بدن میانگین نمره (۹/۷) و کمتر از میانگین مورد انتظار است که پاسخگویان می‌توانستند در این متغیرها کسب کنند.

جدول ۲. تحلیل یک متغیره متغیرهای تحقیق

متغیر - طبقات متغیرها	توزیع متغیر	متغیر - طبقات متغیرها	توزیع متغیر
سن		سن ازدواج	
میانگین سن	۳۴/۵	میانگین سن ازدواج	۲۲
کمترین سن	۲۱	کمترین سن ازدواج	۱۲
بیشترین سن	۴۴	بیشترین سن ازدواج	۳۵
سطح تحصیلات		وضعیت اشتغال	
دانشگاهی	٪۶۴	شاغل	٪۳۵
غیردانشگاهی	٪۳۶	غیرشاغل	٪۶۵
درآمد ماهانه خانوار		تعداد فرزندان قصدشده	
ضعیف	٪۲۱	یک و کمتر از یک	۱۸
متوسط	٪۶۷	دو	۵۱
خوب	٪۱۲	سه و بیشتر از سه	۳۱
هویت مادری		برابری طلبی جنسیتی	
میانگین نمره	۴۰/۱	میانگین نمره	۱۸/۲
حداقل نمره	۲۱	حداقل نمره	۶
حداکثر نمره	۵۵	حداکثر نمره	۲۵
اهداف فردی		مدیریت بدن	
میانگین نمره	۱۰/۴	میانگین نمره	۹/۷
حداقل نمره	۳	حداقل نمره	۶
حداکثر نمره	۱۵	حداکثر نمره	۳۰

نتایج تحلیل دو متغیره متغیرهای پژوهشی در جداول ۳ و ۴ آمده‌اند. مطابق یافته‌های جدول ۳ بین هیچ کدام از متغیرهای تحصیلات، اشتغال و درآمد خانواده با تعداد فرزندان قصدشده زنان رابطه آماری معنی‌دار دیده نشد.

جدول ۳. آزمون تفاوت میانگین‌های تعداد فرزندان برحسب طبقات متغیرهای مستقل

متغیر	طبقات متغیر	میانگین تعداد فرزندان قصدشده	t/f	sig
تحصیلات زن	دانشگاهی	۲/۱۹	t=۰/۳۳۶	۰/۷۳۷
	غیردانشگاهی	۲/۲۲		
وضعیت اشتغال	شاغل (کارمند/ شغل آزاد)	۲/۱۲	t=۰/۱۸۳	۰/۱۸۳
	غیرشاغل	۲/۲۵		
	ضعیف	۲/۲۰		
درآمد ماهانه خانوار	متوسط	۲/۲۲	f=۰/۳۱۷	۰/۷۲۹
	خوب	۲/۱۱		

مطابق جدول ۴ رابطه آماری معناداری بین سن و سن هنگام ازدواج زنان با تعداد فرزندان قصدشده مشاهده نشد. سایر متغیرهای پژوهشی رابطه معنادار با تعداد فرزندان قصدشده زنان دارند. این رابطه در نگرش به هویت مادری مثبت و در برابری طلبی جنسیتی، اهداف فردی و مدیریت بدن منفی بود. بدین معنا که هرچه نمره نگرش به هویت مادری در پاسخگویان بالاتر می‌رود و به عبارتی توجه به هویت مادری بالاتر باشد، تعداد فرزندان قصدشده زنان بیشتر می‌شود. از سویی دیگر هرچه نمره یا گرایش به برابری طلبی جنسیتی، تحقق اهداف فردی و توجه به مدیریت بدن بیشتر می‌شود، تعداد فرزندان قصدشده زنان کمتر می‌شود.

جدول ۴. آزمون پیرسون ارتباط سایر متغیرهای مستقل با تعداد فرزندان قصدشده زنان

متغیر	ضریب همبستگی	sig
سن	-۰/۰۴۲	۰/۴۱۲
سن هنگام ازدواج	-۰/۰۹۷	۰/۰۵۷
نگرش به هویت مادری	۰/۲۷۷	۰/۰۰۰
برابری طلبی جنسیتی	-۰/۳۶۰	۰/۰۰۰
مدیریت بدن	-۰/۲۱۲	۰/۰۰۰
اهداف فردی	-۰/۱۰۴	۰/۰۴۴

مطابق اطلاعات جدول ۵ از تحلیل چند متغیره متغیرهای تحقیق و بررسی ضرایب اثر آن‌ها، هیچ کدام از متغیرهای کنترلی (سن، سن ازدواج، تحصیلات زن، اشتغال زن و درآمد خانوار) وارد شده به مدل اول رگرسیون چندمتغیره معنادار نشدند. در مدل دوم و با افزودن متغیرهای پژوهشی مطالعه به روش هم‌زمان، ارتباط متغیرهای نگرش به هویت مادری و برابری طلبی جنسیتی به ترتیب با ضرایب استاندارد (۰/۱۵۶ و -۰/۲۹۷) با تعداد فرزندان قصدشده زنان مطالعه تأیید شدند. در تحلیل



این روابط باید گفت با افزایش نمره نگرش به هویت مادری و کاهش نمره گرایش به برابری طلبی جنسیتی، تعداد فرزندان قصدشده زنان افزایش می‌یابد. با توجه به ضریب تعیین تعدیل شده  $0/174$  مدل دوم می‌توان گفت که متغیرهای پژوهشی توانستند حدود ۱۷ درصد تغییرات متغیر تعداد فرزندان قصدشده زنان پاسخگو را تبیین کنند.

جدول ۵. تحلیل چندمتغیره متغیرهای تحقیق با تعداد فرزندان قصدشده زنان با استفاده از رگرسیون خطی چندمتغیره

متغیرهای مستقل	مدل ۱			مدل ۲		
	Beta	T	sig	Beta	t	sig
سن	۰/۰۰۷	۰/۱۲۱	۰/۹۰۴	-۰/۰۵۲	-۰/۹۶۷	۰/۳۳۴
سن ازدواج	-۰/۱۰۸	-۱/۸۱۷	۰/۰۷۰	-۰/۰۴۳	-۰/۷۷۶	۰/۴۳۸
تحصیلات زن (مرجع دانشگاهی)	-۰/۰۶۹	-۱/۰۲۹	۰/۳۰۴	-۰/۰۵۵	-۰/۸۶۰	۰/۳۹۱
وضعیت اشتغال زن (مرجع شاغل)	۰/۰۷۷	۱/۲۶۳	۰/۲۰۸	۰/۰۲۷	۰/۴۷۰	۰/۶۳۹
درآمد ضعیف (مرجع درآمد خوب)	۰/۰۵۱	۰/۶۳۹	۰/۵۲۳	۰/۰۷۱	۰/۹۷۸	۰/۳۲۹
درآمد متوسط	۰/۰۸۱	۱/۰۲۳	۰/۳۰۷	۰/۰۸۱	۱/۱۲۹	۰/۲۶۰
نگرش به هویت مادری				-۰/۱۵۶	۲/۷۵۸	۰/۰۰۶
برابری طلبی جنسیتی				-۰/۲۹۷	-۵/۰۹۱	۰/۰۰۰
مدیریت بدن				-۰/۱۰۵	-۱/۹۶۳	۰/۰۵۱
اهداف فردی				-۰/۰۲۳	-۰/۴۲۸	۰/۶۶۹
Method	Enter	Enter		Enter		
R		۰/۱۴۳			۰/۴۴۹	
Adjusted R Square		-۰/۰۰۱			۰/۱۷۴	
F		۰/۹۵۹			۷/۲۴۷	
Sig		۰/۴۶۱			۰/۰۰۰	

با توجه به مبانی نظری پژوهش و به منظور بررسی اثر متغیرهای مستقل مطالعه بر نگرش به هویت مادری، متغیرهای برابری طلبی جنسیتی، اهداف فردی و مدیریت بدن به همراه دو متغیر تحصیلات و اشتغال، هم‌زمان وارد مدل رگرسیونی خطی چندمتغیره شدند. مطابق با نتایج جدول ۶ متغیرهای برابری طلبی جنسیتی با ضریب رگرسیونی استاندارد ( $-0/367$ ) و تحصیلات با ضریب ( $0/157$ ) با متغیر نگرش به هویت مادری ارتباط معنادار نشان دادند، ولی رابطه متغیرهای مدیریت بدن، اهداف فردی و اشتغال تأیید نشد. مطابق با نتایج، هرچه نمره برابری طلبی جنسیتی بیشتر شده و به عبارتی گرایش به برابری زن و مرد افزایش یابد نگرش و توجه به نقش مادری کمتر شده است. همچنین در ارتباط تحصیلات با نگرش به نقش مادری، در افراد با تحصیلات غیردانشگاهی نمره یا

توجه به هویت یا نقش مادری بالاتر است. متغیرهای معنادار مدل توانسته‌اند حدود ۱۸ درصد تغییرات نگرش به هویت مادری پاسخگویان را تبیین کنند.

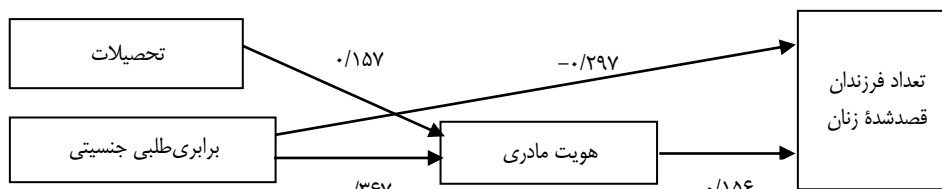
جدول ۶. تحلیل چند متغیر متغیرهای تحقیق با نگرش به هویت مادری با استفاده از رگرسیون خطی چندمتغیره

متغیرهای مستقل	B	Beta	T	sig
تحصیلات زن (مرجع دانشگاهی)	۲/۳۰۹	۰/۱۵۷	۲/۷۸۸	۰/۰۰۶
وضعیت اشتغال زن (مرجع شاغل)	۰/۶۳۲	۰/۰۴۴	۰/۷۹۷	۰/۴۲۶
برابری طلبی جنسیتی	-۰/۵۵۲	-۰/۳۶۷	-۶/۹۳۲	۰/۰۰۰
مدیریت بدن	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۷	۰/۹۹۴
اهداف فردی	-۰/۱۶۱	-۰/۰۹۵	-۱/۸۱۳	۰/۰۷۱
Method	Enter			
R	۰/۴۴۵			
Adjusted R Square	۰/۱۸۶			
F	۱۶/۰۵			
Sig	۰/۰۰۰			

جدول ۷. جمع اثرات متغیرهای مستقل پژوهش بر تعداد قصدشده زنان

متغیر	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	کل اثر
تحصیلات زن	-	تحصیلات ← نگرش به هویت مادری (۰/۱۵۷)	۰/۰۲۴
برابری طلبی جنسیتی	-۰/۲۹۷	هویت مادری ← تعداد فرزندان قصدشده (۰/۱۵۶) کل اثر غیرمستقیم: (۰/۱۵۶) × (۰/۱۵۷) = (۰/۰۲۴)	-۰/۳۵۴
نگرش به هویت مادری	۰/۱۵۶	برابری طلبی جنسیتی ← هویت مادری (-۰/۳۶۷) کل اثر غیرمستقیم: (-۰/۳۶۷) × (۰/۱۵۶) = (-۰/۰۵۷)	-۰/۱۵۶

جدول ۷ مجموع اثرات متغیرهای مستقل معنادار را در مدل تحلیل مسیر پژوهش نشان می‌دهد. مطابق یافته‌ها، متغیرهای نگرش به هویت مادری، برابری طلبی جنسیتی و تحصیلات بر تعداد فرزندان قصدشده زنان مطالعه اثرگذار شدند. نکته قابل توجه، اثرگذاری تحصیلات و برابری طلبی جنسیتی بر نگرش به نقش مادری و واسطه‌بودن نگرش به هویت مادری برای اثرگذاری این دو متغیر بر تعداد فرزندان قصدشده زنان مورد مطالعه است. این مورد در شکل ۲ نیز به صورت دیاگرام مسیر نشان داده شده است.



شکل ۲. مدل تجربی تحقیق و ارتباط بین متغیرهای پژوهشی  
منبع: یافته‌های تحقیق

## ۵. نتیجه‌گیری

در حال حاضر کشورهای زیادی در جهان، با بحران جمعیتی ناشی از کاهش میزان باروری روبه‌رو هستند. کاهش میزان باروری و متعاقب آن به هم‌ریختگی در توازن جمعیتی، می‌تواند آسیب‌های جبران‌ناپذیر اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... نظیر تهدید نظام خانواده و بقای نسل، سالخورده‌گی جمعیت، کاهش نیروی فعال جمعیت را برای کشورها در پی داشته باشد. کشور ایران نیز با این چالش مواجه است. داده‌های آماری حکایت از کاهش مداوم باروری در ایران و رسیدن به میزان ۱/۷۱ در سال ۱۳۹۹ دارد. در این زمینه شناخت عوامل مؤثر بر قصد فرزندآوری اهمیت ویژه‌ای دارد. یکی از این عوامل که در تحقیق حاضر مورد توجه قرار گرفت نگرش به هویت مادری است. باتوجه‌به خلأ مطالعاتی در زمینه ارتباط بین نگرش به هویت مادری با قصد فرزندآوری در ایران، در این پژوهش به بررسی ارتباط بین نگرش به هویت مادری با تعداد فرزندان قصدشده، نمونه‌ای ۳۸۵ نفری از زنان دارای حداقل یک فرزند (با تجربه مادری) ساکن در مناطق شهری کاشان پرداخته شد. مطابق با نتایج تحقیق حاضر نمره نگرش به هویت مادری پاسخگویان، متوسط به بالا است (۴۰/۱). این موضوع بیانگر وجود تمایل و احساس خوشایند به هویت یا نقش مادری در زنان مورد مطالعه است؛ بنابراین این امر برای جامعه مورد مطالعه یک مزیت به شمار می‌رود و نشان از اولویت و اهمیت قابل ملاحظه برای هویت یا نقش مادری نسبت به سایر نقش‌های زنان مورد مطالعه است. یافته‌های تحلیل چندمتغیره نشان از پایداری رابطه معنادار و مثبت بین نگرش به هویت مادری با تعداد فرزندان قصدشده با ورود متغیرهای کنترلی به مطالعه دارد. از طرف دیگر بخشی از یافته‌ها از طریق تحلیل مسیر بیانگر تأثیر افزایش تحصیلات و گرایش به برابری طلبی جنسیتی بر تغییرات نگرش به هویت مادری است؛ بنابراین می‌توان گفت نگرش به هویت مادری از دو طریق مستقیم و نیز به‌عنوان میانجی یا واسطه اثرگذاری متغیرهای تحصیلات و برابری طلبی جنسیتی با تعداد

فرزندان قصدشده زنان ارتباط دارد. نتایج این مطالعه با یافته‌های پژوهش مک کویلان و همکاران (۲۰۱۵) همخوانی دارد که اهمیت مادری علاوه بر تأثیر مستقیم بر باروری، نقش میانجی ارتباط بین متغیرهای دیگر و نیات باروری ایفا می‌کند. در مطالعه مک کویلان هویت مادری واسطه ارتباط نیات باروری با همبستگی‌های جمعیتی و اجتماعی نیات باروری مانند نگرش‌های جنسیتی، ارزش‌دادن به اوقات فراغت، ارزش‌دادن به شغل، دینداری و پیام‌های باروری خانواده بود. مطابق یافته‌های تحقیق حاضر می‌توان گفت هنوز مادری برای درصد قابل‌توجهی از زنان در اولویت و اهمیت قرار دارد؛ هرچند تغییراتی در مفهوم نگاه به مادری در جامعه مورد مطالعه به وجود آمده است و باتوجه به تغییر در سایر متغیرهای پژوهشی مانند تحصیلات و برابری‌طلبی جنسیتی امکان تغییر بیشتر آن نیز می‌رود. می‌توان گفت مادران امروزی نگاه انتقادی به معنای معمول مادری و محدودشدن خود در نقش نگهدارنده کودک داشته و توجه بیشتری به علایق شخصی و افزایش توانمندی‌های خود از طریق کسب تحصیلات و اشتغال دارند و بنابراین فرصت کمتری برای ایفای نقش مادری صرف پیدا کرده و حتی نگرششان نسبت به این موضوع کمرنگ شده است. در برخی از مطالعات جمعیتی بر اهمیت نقش‌های رقیب فرزندآوری بر کاهش آن تأکید شده است. نقش‌هایی که در شرایط مختلف و به درجات مختلف در تعارض با فرزندآوری‌اند و زنان با اتخاذ آن‌ها و فعالیت در آن‌ها از فرزندآوری باز می‌مانند یا در فرزندآوری دچار تردید می‌شوند. عمده‌ترین این نقش‌ها، مجرد قطعی و اشتغال به کار و تحصیل زنان در خارج از منزل است (Saraei, 2015)؛ بنابراین توجه به نقش‌های رقیب با نقش مادری که با فرهنگ و ارزش‌های جامعه ایرانی نیز هماهنگ است مانند تحصیلات و اشتغال زنان و سازگار کردن آن با نقش مادری دارای اهمیت زیادی است. از سوی دیگر، علاوه بر نقش‌های رقیب که با فرهنگ و ارزش‌های جامعه ایرانی سازگاری دارد؛ جلوه‌هایی از فرهنگ مدرن مانند مصرف‌گرایی در راستای تغییر هویت زنان در راستای فردگرایی و افزایش مصرف به‌عنوان عامل هویت‌ساز اصلی زنان تأکید دارند که این امر در تعارض با نقش مادری قرار می‌گیرد. این امر نیازمند توجه و ارزش‌آفرینی برای نقش مادری در مقابل آن‌ها است.

موضوع قابل توجه دیگر تأثیر برابری‌طلبی جنسیتی بر نگرش به هویت مادری و نیات باروری زنان مورد مطالعه است که ضرورت رویکرد واقع‌بینانه به شرایط اجتماعی حاضر زنان و فرهنگ‌سازی برای اصلاح کلیشه‌های جنسیتی و کاهش نابرابری‌های جنسیتی در نهاد خانواده را به‌منظور ایجاد شرایط مناسب برای سازگاری بیشتر هویت مادری با سایر ابعاد هویت‌ساز زنان را خاطر نشان می‌کند. برخی از زنان امروزی، ممکن است نقش خود را به‌عنوان مادر در تضاد با سایر نقش‌هایشان و

خودشکوفایی خود ببینند و بنابراین تصمیم بگیرند که باروری کمتری داشته باشند. هر فردی در مسیر زندگی اهدافی را برای خود متصور می‌شود که بر سایر برنامه‌های زندگی وی ترجیح دارد و چنانچه سایر برنامه‌ها به‌عنوان مانعی برای رسیدن به اهداف اصلی وی قلمداد شوند، آن‌ها را به حاشیه می‌راند یا حذف می‌کند. در خصوص مادری نیز مسئله همین است و میزان اهمیت دستیابی افراد به اهداف شخصی، مقدار مطلوبیت مادری را برای آن‌ها می‌سازد. زنان امروزی فعالیت اجتماعی را به‌عنوان بخشی از زندگی خود در نظر گرفته‌اند و مشارکت در فعالیت‌های هویت‌بخشی مانند تحصیلات با اشتغال را حق خود می‌دانند؛ حال اگر محیط و شرایط حمایتگر و تسهیلگر برای آن‌ها مهیا نباشد، برای رفع فشارهای ناشی از اجرای هم‌زمان نقش‌های خانوادگی و اجتماعی و انطباق با این وضع، دست به تصمیماتی در سطح عینی و ذهنی می‌زنند که یکی از آن‌ها ممکن است بازتعریف در نقش‌های محوله خانوادگی از جمله مادری است.

## ۶. پیشنهادها

با توجه به موارد گفته شده پیشنهاد می‌شود دولتمردان و سیاست‌گذاران با فراهم کردن امکاناتی برای تسهیل فرایند مادری و تعدیل مسئولیت‌های آن از قبیل انعطاف در ساعت کار زنان و حقوق بیکاری در زنان شاغل، ارتقای کیفیت مراکز نگهداری کودکان و وضع قوانینی در حمایت و سازگاری نقش مادری و تحصیلات زنان به‌ویژه در دوران تحصیلات تکمیلی به کمک زنان بیاید و به کاهش تعارض بین مؤلفه‌های توانمندی و استقلال زنان از جمله تحصیلات و اشتغال با مسئولیت‌های مادری (فرزندآوری و تربیت فرزند) منجر شود. همچنین حفظ بنیان‌های اصیل فرهنگی جامعه ایرانی که هم ریشه در دین و هم عرف آن دارد و بر مفهوم مادری و اولویت‌ها و اهمیت آن تأکید دارد و در این پژوهش نیز خود را نشان داد، ضرورت دارد. تسهیلگری و کمک کردن در زمینه مادری به‌نوعی ارزش قائل شدن به این بنیاد اصیل فرهنگی نیز هست. با توجه به اهمیت موضوع هویت مادری و فرزندآوری و یافته‌های پژوهشی حاضر پیشنهاد می‌شود تحقیقات کیفی برای روشن‌تر کردن و فهم بیشتر از موضوع پژوهش در جامعه ایران انجام گیرد. به نظر می‌رسد با توجه به تحولاتی که در موقعیت اجتماعی زنان ایرانی در حال وقوع است مفهوم هویت مادری و فرزندآوری در آینده با چالش‌های بیشتری همراه خواهد بود که نیازمند فهم و درک دقیق برای شناخت و اتخاذ سیاست‌های مناسب است. این تحقیق به نوبه خود کوشیده است تا با یک پژوهش کمی به بعد کمتر

توجه شده و مغفول مانده‌ای از تحولات باروری در ایران بپردازد که نیازمند توجه و ادامه آن به وسیله محققان جمعیت‌شناس، جامعه‌شناس و سایر علوم مرتبط است.

### ۷. سپاسگزاری

نویسندگان مقاله از تمامی افرادی که در فرایند پژوهش همکاری داشته‌اند، تشکر و قدردانی می‌کنند. پژوهش حاضر در چارچوب مصوبه کمیته ملی اخلاق در پژوهش به انجام رسیده و دارای شناسه اخلاق IR.ATU.REC.1401.041 است.

### ۸. تعارض منافع

در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

### References

- Abbott, P., & Wallace, C. (2018). *Sociology of women* (3<sup>rd</sup> Ed.). Translated by M. Najm Iraqi. Tehran: Ney Publishing House. (In Persian)
- Adams, P (1990). Mothering. In “*The Woman In Question*”, See Adams and Cowie.
- Ahmadnia. S., Sherafat, S., & Taghi Khan, K. (2017). Identity Acquisition of New Generation of Iranian girls emphasizing on Higher Education. *Strategic Studies of Sport and Youth*, 36, 107-122.  
[https://fasname.msy.gov.ir/article\\_208.html?lang=en](https://fasname.msy.gov.ir/article_208.html?lang=en) (In Persian)
- Arpino, B., Esping-Andersen, G., & Pessin, L. (2015). How Do Changes in Gender Role Attitudes Towards Female Employment Influence Fertility? A Macro-Level Analysis. *European Sociological Review*, 31(3), 370-382.  
<https://doi.org/10.1093/esr/jcv002>
- Beasley, C. (2015). What is Feminism: An Introduction to Feminist Theory. Translated by M. R. Zomorodi. Tehran: Roshangarsn and women's studies Publications.
- Bibi Razeghi Nasrabad, H., Hosseini Chavoshi, M., & Abbasi Shavazi, M. J. (2021). The effect of gender role attitude and role division on the second births interval in Tehran. *Journal of Applied Sociology*, 32(2), 1-28.  
[10.22108/jas.2020.121730.1875](https://doi.org/10.22108/jas.2020.121730.1875) (In Persian)

- Castells, M (2010). Information age, the power of identity. Translated by Hasan Chavoshian. Tehran: New Design Publications, 6th edition. (In Persian)
- Dorahaki, A., & Nobakht. R (2020). The Influence of Gender Equality within the Family on Fertility Intention of Women in Urban Areas of Bushehr Province. *Women in Development and Politics*, 18(1), 151-172.  
<https://doi.org/10.22059/jwdp.2020.294291.1007761> (In Persian)
- ElahiDoost, S., Rabbani, A., & Shams, B. (2013). Women, motherhood and breastfeeding. *Women's Research Journal, Research Institute of Humanities and Cultural Studies*, 4(1), 1-38. (In Persian)
- Entezari, A & Afzali, M (2020). Motherhood: types, meanings and motivations. *Journal of Gender and Family Studies*, 14, 41-70.  
[https://www.jgfs.ir/article\\_120024.html?lang=fa](https://www.jgfs.ir/article_120024.html?lang=fa) (In Persian)
- Farshadi, F., & Vosooghi, M. (2020). A Cognitive Study of the Mothering Meaning Evaluation and Family Form Changes Mediated by Contemporary Medical Contexts. *Iran Anthropological Researches*, 10, 20 consecutive. <https://doi.org/10.22059/ijar.2021.311095.459638> (In Persian)
- Fathi, E. (2019). *Fertility perspective of Iran from 2016 to 2020*. Tehran, Bureau of Population, Labor.  
<https://www.amar.org.ir/Portals/0/News/1401/fertility96-1400.pdf?ver=3qeu8HZSdAUjnzIONIBB-A%3d%3d> (In Persian)
- Feridan, B. (2015). *A woman's secret* (2<sup>nd</sup> Ed.). Translated by: F. Sadeghi. Tehran: Negah Mazares Publishing House. (In Persian)
- Foroutan Y., & Karami, F. (2016). Childbearing Desires in Iran: Patterns and Determinants. *Journal of Iran Demographic Association*, 11(21), 71-100.  
<https://dorl.net/dor/20.1001.1.1735000.1395.11.22.3.3> (In Persian)
- Forum World Bank (2021). <https://worldpopulationreview.com/country-rankings/total-fertility-rate>
- Gardner, W. (2007). *War against the family*. Translated by: M. Mohammadi. Office of Women's Studies and Research. (In Persian)
- Giddens, A. (2013). *Modernity and individuality*. Society and personal identity in the age of modernity. Translated by: N. Movaffaqian. Tehran: Ney Publishing. (In Persian)
- Golmakani, N., Fazeli, E., Taghipour, A., & Shakeri, M. T. (2015). Relationship between gender role attitude and fertility rate in women referring to health

- centers in Mashhad. *Iranian Journal of Nursing and Midwifery Research*, 20(2), 269-274. <https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/PMC4387654/>
- Inglehart, R. (1994). Cultural transformation in advanced industrial society. Translated by: M. Vatar. Tehran: Kavir.
- Iran Statistics Center (2016). *The results of the country's general population and housing census*. (In Persian)
- Jaefari, E. Haqiqian, M & Mohammadi, A (2022). Investigating the relationship between lifestyle and social support with women's maternal identity-case study Isfahan women. *Journal of Women and Society*, 13(1), 238-227. <https://dx.doi.org/10.30495/jzv.2022.24562.3206> (In Persian)
- Katz-Wise, S. L., Priess, H. A., & Hyde, J. (2010). Gender-Role Attitudes and Behavior Across the Transition to Parenthood. *Developmental Psychology*, 46(1), 18–28. <https://doi.org/10.1037/a0017820>
- Khalaj Abadi Farahani, F. (2017). Role of Gender Beliefs and Gender Division of Domestic Labor in Fertility Preferences and Intentions among Men and Women in Tehran. *Population Studies*, 5(3), 95-129. [https://ppr.nipr.ac.ir/article\\_89814.html?lang=fa](https://ppr.nipr.ac.ir/article_89814.html?lang=fa) (In Persian)
- Khandan, Z., & Seidan, F. (2016). Lived experience of women towards fertility (attitude, causes, strategies of mothers towards fertility). *Journal of Islamic Studies of Women and Family*, 6, 31-56. [https://pubs.jz.ac.ir/article\\_61815.html](https://pubs.jz.ac.ir/article_61815.html) (In Persian)
- Kuleshova, A. (2015), Dilemmas of Modern Motherhood (Based on Research in Russia). *Economics and Sociology*, 8(4), 110-121. <https://doi.org/10.14254/2071-789X.2015/8-4/8>
- Lappegard, T., Neyer, G., & Vignoli, D. (2021). Three dimensions of the relationship between gender role attitudes and fertility intentions. *Department of Sociology, Genus*, 15-77. <https://doi.org/10.12765/CPoS-2021-18>
- Mardani, M., & Enayat, H. (2012). Globalization and maternity crisis. *Tarbiat Tablighi Research Journal*, 1(2), 113-146. <https://ensani.ir/fa/article/320014/> (In Persian)
- McQuillan, J., Greil, A. L., Shreffler, K. M., & Bedrous, A.V. (2015). The Importance of Motherhood and Fertility Intentions among U.S. Women.



*Sociological Perspectives*, 58(1), 20-35.

<https://doi.org/10.1177/073112141453439>

Mitchell, D. & Gray, E. (2007). Declining fertility: Intentions, attitudes and aspirations. *Journal of Sociology*, 43, 23-44.

<https://doi.org/10.1177/1440783307073933>

Moshfeqh, M., & Hosseini, G. (2013). Future study of Iran's demographic changes during the period 2011 to 2041. *Marifet Cultural and Social*, 4(1), 21-42. <https://ensani.ir/fa/article/323947/> (In Persian)

Nartova, N (2013). *Motherhood in Modern Society: Regulation Instead of Variety*, Internet-Journal. Novaja Europa.

Rich, A. (1986). *Of woman born: Motherhood as Experience and Institution*. New York: Norton.

Sadeghi, R., & Shahabi, Z. (2019). The Paradox of Work and Mothering: The Experience of Transition to Motherhood of Employed Women. *Applied Sociology*, 30(1), 91-104. <https://doi.org/10.22108/jas.2018.106988.1197> (In Persian)

Sadeghi, S (2004). The challenge of feminism with motherhood. *Women's Strategic Studies Journal*, (28): 19-43. <https://ensani.ir/fa/article/107523/> (In Persian)

Saraei, H. (2015). Population Reproduction of Iran: Current Status and Some Policy Considerations. *Social Science*, 22(35), 1-35. <https://doi.org/10.22054/qjss.2015.1279> (In Persian)

Shams Ghahfarokhi, M., (2015). The Impact of Gender Equaity and Equality on Fertility Behaviors in the City of Isfahan. *The letter of the Iranian Demographic Society*, 10(20), 96-127.

[https://www.jpaiassoc.ir/article\\_28034.html?lang=fa](https://www.jpaiassoc.ir/article_28034.html?lang=fa) (In Persian)

Shang, Q., & Yin, Y. (2020). Gender Role Attitudes and Fertility Revisited: Evidence from the United States. *Population Review*, 59(2).

<https://muse.jhu.edu/article/763413/summary>

Sobot, A (2019). Is the overturn of gender stereotpres the key to fertilityincrease in Serbia?. *Sociological Review*, 53(3), 1217-1240.

<https://www.researchgate.net/publication/348448605>

Swift, K. J. (2015). *Motherhood*. York University, Toronto, Canada.

- Talebi, H. (2015). Investigating the relationship between the globalization of culture and women's rethinking gender identity - a study in Tehran. *Master's thesis*. Tehran: Al-Zahra University (S), Faculty of Social and Economic Sciences. (in Persian)
- Thornton, A., Binstock, G., Yount, K., Abbasi-Shavazi, M. J., Ghimiri, D., & Xie, Y. (2012). International fertility change: New data and insights from the developmental idealism framework. *Demography*, 49(2), 677-98. <https://doi.org/10.1007/s13524-012-0097-9>
- Viruru, R., & Nasser, R. (2017). Wa'allah, the woman she should go direct to Paradise: Perceptions of motherhood in Qatar. *Global Studies of Childhood*, 7(2), 148-158. <https://doi.org/10.1177/2043610617703834>
- Yazdi, A (2009). Maternal ethics in Islam and feminism. *Journal of Theological Philosophical Research*, 10(3), 151-184. (In Persian)
- Yoon, S-Y. (2016). Is gender inequality a barrier to realizing fertility intentions? Fertility aspirations and realizations in South Korea. *Asian Populatin Stadies*, 12(2), 1-17. <https://doi.org/10/1080/17441730.2016.11633873>